



مدرسه کرونایی با تجربه انگلیسی

((پدیده پروینی))

دانشجوی دکتری رسانه و فرهنگ، دانشگاه لندن، انگلستان

به جای مقدمه

«صفحه نمایش رایانهام ناگهان ثابت ماند... با یک تصویر کج و معوج از چهره‌های خسته و منتظر... ده‌ها چشم در آن واحد به من خیره شده بودند... پژواک عجیب و غریبی فضا را پر کرده بود... همه چیز ناآشنا و مضحک به نظر می‌رسید...»

این کلمه‌ها توصیف‌های یک معلم دبستان است که به گفته خودش تقلا می‌کرد تا در یک کلاس آنلاین، درس جدید کتاب علوم را به بچه‌ها آموزش دهد. این روزها، این دست اتفاقات برای معلمان زیاد رخ می‌دهد. شاید فکر کنید که گرفتاری‌های معلمان و فضای مجازی در دوره همه‌گیری «کووید ۱۹» مختص کشور ماست، من هم به‌عنوان یک پژوهشگر کنج‌کاو شدم بدانم، در این روزهای کرونایی بر والدین، معلمان و مهم‌تر از آن بر مجازنشینان بومی کلان‌شهرهای فضای مجازی، یعنی

کودکان و نوجوانان در انگلستان چه می‌گذرد؟ این بود که به بررسی حال و هوای آن‌ها از طریق جست‌وجوی وبسایت‌ها، گفت‌وگو و نشست با والدین پرداختم.

آزمون و خطا در مدیریت کرونایی مدارس

همان‌طور که ویروس «کرونا» به شکل یک همه‌گیری در سراسر دنیا شیوع پیدا کرد، بحث آموزش از طریق فضای مجازی هم به یک موضوع همه‌گیر در جهان تبدیل شد. دنیا در یک شوک ناگهانی فرو رفت، ولی نظام آموزشی کودکان و نوجوانان بیشتر از دیگر حوزه‌ها از این شوک متأثر شد. سیاستمداران و دولت‌مردان در غرب برای مبارزه با این میهمان ناخوانده دست به آزمون و خطا زدند. بعضی از آن‌ها تدابیر همه‌گیری تا رسیدن به سطح ایمنی را در پیش گرفتند و برخی از همان ابتدا به سمت

قرنطینه کردن جامعه رفتند. این آزمون و خطاها در نظام‌های آموزشی هم به مرحله اجرا درآمد. آموزش‌ها گاه به شکل مجازی گاه در قالب تلفیقی، مجازی و حضوری به شکل محدود برگزار شدند.

دولت انگلستان پس از مدتی مقاومت در بازنگه‌داشتن مدرسه‌ها، با فشار والدین مجبور به پذیرفتن طرح قرنطینه شد. مدرسه‌ها در یک بازه زمانی پنج‌ماهه تعطیل و با فراز و فرودهای خاصی مواجه شدند. در همه دوره‌های تحصیلی، مخصوصاً دوره «امتحان‌های سراسری دانش‌آموزان دبیرستانی در پایان ۱۶ سالگی» و همچنین در پیش‌دانشگاهی مشکلات فراوانی رخ دادند. مشکلات پیش‌آمده در نحوه ارزیابی پایان سال بچه‌ها که با اعتراض والدین و دانش‌آموزان همراه بود و به صحن مجلس کشیده شد، انگیزه بازگشایی مدرسه‌ها را در سال تحصیلی جدید، یعنی ۲۰۲۱-۲۰۲۰ فراهم آورد.

تقویت سامانه‌های جاری به جای ابداع روش‌های تازه

نکته قابل توجه این است که انگلیس، به دلیل داشتن زیرساخت‌های مناسب اینترنتی، پهنای باند مناسب و ابزار ارتباطی و سخت‌افزاری پیشرفته، مشکلات کمتری برای فعال نگه‌داشتن امور جاری جامعه در ایام قرنطینه داشت. بسیاری از جلسه‌های اداری و امور تجاری با کشورهای دیگر از طریق اینترنت و نرم‌افزارهایی مانند زوم، اسکایپ و ... از قبل هم انجام می‌شد. لذا موضوع بسترسازی برای این امور کار سختی نبود. نرم‌افزارهایی که از خیلی قبل استفاده می‌شدند، در این دوران به سرعت به‌روزرسانی شدند و مورد استفاده آموزشی دانش‌آموزان قرار گرفتند.

مشکل مجازی دبستانی‌ها

دانش‌آموزان سنین پایین‌تر و در اوایل دوران ابتدایی، به‌خصوص کلاس اولی‌ها با مشکلات بیشتری در آموزش آنلاین مواجه هستند. درحالی‌که هنوز با فضای واقعی و فیزیکی مدرسه آشنا نشده‌اند، مجبور به حضور در کلاس‌های مجازی هستند و با اینکه از آموزش و یادگیری چیزی نمی‌دانند، مجبورند بسیاری از موضوع‌های درسی را تصور کنند و بدون استفاده مفید از حواس پنج‌گانه درس‌ها را فرا بگیرند. آن‌ها از دریچه صفحه نمایش رایانه دنیای مدرسه را می‌بینند و درک می‌کنند و ارتباط با معلمان را در این فضای غیرملموس تجربه می‌کنند. این تنها مشکل بچه‌های کلاس اولی نیست، بلکه مشکل بزرگ‌تر آن‌ها ناآشنایی و کار با نرم‌افزارهایی است که برای هدف‌های غیرآموزشی ساخته شده‌اند. یکی از معلمان دوره ابتدایی منطقه «تیلینگ» لندن می‌گفت: «کودک‌انی

که به‌جای حضور در فضای واقعی مدرسه باید به صفحه لپ‌تاپ خیره شوند، در طول کلاس درس وسوسه می‌شوند، کلیدهای کیبورد را فشار دهند، بین پنجره‌ها جابه‌جا شوند، و حتی حین کلاس گاهی بازی‌های ویدیویی انجام دهند. بعضی‌ها هم کلا از جلوی صفحه نمایش غیب می‌شوند! معلوم نیست به کجا می‌گریزند!»

فشار روی معلمان در کلاس‌های مجازی

و اما در احالات معلمان کوشا و فعال اینکه میزان شوک و اضطراب وارده بر آن‌ها، با شروع آموزش برخط بیشتر از هر زمان دیگری در ارتباط با به سبب اینکه ناخواسته و به ناگهان در فضایی غیرمترقبه قرار گرفته‌اند و مجبور شده‌اند، فقط از دریچه صفحه نمایش رایانه با دانش‌آموزانشان در ارتباط باشند، دچار بحران شده‌اند.

معلم دیگری که اهل شهر «کاردیف» بود تعریف می‌کرد: «از زمان بروز همه‌گیری کووید ۱۹ ما معلم‌ها بیشتر از هر زمان دیگری در ارتباط با تماس‌های تصویری هستیم، چه آن‌وقت که برای تدریس قرار است جلوی یک صفحه نمایش رایانه، ساعت‌ها بدون تکان خوردن ثابت یکجا بنشینیم و با دانش‌آموزان حرف بزنییم، چه زمانی که امور اداری آموزشی ایجاد می‌کند، در یک جلسه برخط گزارش کار آموزشی خود را به سایر همکاران ارائه دهیم، چه وقت‌هایی که باید در کنار فرزندان کوچک خود بمانیم و در امر آموزش برخط با معلم مجازی او همکاری کنیم، چه وقت‌هایی که باید یادگیری فرزندان نوجوانمان را در کلاس‌های آنلاین رصد کنیم، گرفتار تماس‌های تصویری هستیم.

حتی وقت‌هایی که نوبت به ارتباطات خانوادگی از طریق صفحه نمایش می‌رسد و با تمام قوا تلاش می‌کنیم با کلمه‌ها و جمله‌های مکرر جبران مافات زبان بدن کنیم و در برقراری مؤثر ارتباط با خانواده و دوستان انرژی صرف نماییم! همه و همه به‌نوعی پس از مدتی طاقت‌فرسا می‌شوند. مدت‌هاست که سبک زندگی ما معلمان به دلیل این همه‌گیری تغییر عمده‌ای کرده و خستگی استفاده از صفحه نمایش رایانه و دل‌زدگی از فناوری‌های برخط برای ما نفس‌گیر شده است.»

برایم بسیار جالب بود که بیان چنین دل‌زدگی را از زبان نوجوانان هم شنیدم. چند نوجوان که در شهر «میلتون کینز» انگلیس تحصیل می‌کنند، اقرار می‌کردند از برخط بودن مکرر خسته شده‌ایم، نوجوانانی که قبلاً بدون شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های آنلاین نمی‌توانستند زندگی واقعی را تصور کنند، در این روزها از اینترنت خسته شده‌اند!

چرا ارتباط برخط خسته‌کننده است؟

اما دقیقاً چه چیزی معلمان و دانش‌آموزان را خسته کرده است؟ وبسایت «BBC Work Life» در آوریل سال ۲۰۲۰ در یک مصاحبه با یکی از استادان حوزه ارتباطات نوشت: «ارتباط در یک تماس تصویری نسبت به گفت‌وگوی رودررو تمرکز بیشتری می‌خواهد. در تماس تصویری، ما باید برای بروز نشانه‌های غیرکلامی، مثل زبان بدن، حالت‌های چهره، تن صدا و غیره که همگی این‌ها در برقراری یک ارتباط مؤثر دخیل هستند، تلاش بیشتری کنیم و این خسته‌کننده و کلافه‌کننده است. گاهی تأخیر در پاسخ‌گویی افراد مخاطب، به دلیل مشکلات اینترنتی، گفت‌وگو را به سمت محیط خشک و غیردوستانه هدایت می‌کند. چالش دیگر این است که وقتی تصویر شما توسط دیگران دیده می‌شود و شما از این قضیه آگاه هستید، حتی می‌توانید خود را در صفحه نمایش مشاهده کنید، به نوعی به شما فشار روحی وارد می‌شود. این احساس استرس‌زاست. به همین دلیل احساس خستگی از صفحه نمایش به وجود می‌آید.»

آن‌ها معتقدند: «معلمان کلاس‌های اول و دوم، یعنی سال‌های ابتدایی ورود به مدرسه، با همیاری والدین می‌توانند عوامل فشارهای خارجی و محیطی را روی بچه‌ها خنثی کنند تا بتوانند برنامه درسی مبتنی بر صفحه نمایش آنلاین را برای دانش‌آموزان فراهم سازند.»

آن‌ها در وبسایت خود بسته‌های آموزشی به والدین ارائه داده‌اند. بر اساس این بسته‌های آموزشی، والدین درس‌های بچه‌ها و چگونگی مشارکت با معلم را فرامی‌گیرند و درس‌های تدریس شده را برای فرزندان خود به یک کار عملی تبدیل می‌کنند. فعالیت‌های دستی مثل ساختن، تنظیم کردن، سرهم کردن بعضی از اشیاء، و استفاده از هر فرصت و واقعه‌ای در زندگی روزمره برای آموزش بچه‌ها، از جمله این نوع فعالیت‌ها هستند. آنچه که برای مسئولان آموزشی اهمیت زیادی دارد، این است که معلمان اطمینان حاصل کنند، یادگیری موردنظر مدرسه برای کودکان در خانه هم اتفاق می‌افتد؛ لذا همکاری نزدیک والدین و معلمان بسیاری مهم است.

به جای نتیجه‌گیری

در مجموع، شیوع کرونا و خانه‌نشینی به ما نشان داد که به‌طور فزاینده‌ای به فناوری دیجیتالی و اینترنتی متکی هستیم. این ابزار سکوی نجاتی برای جلوگیری از محبوس شدن در محدوده فیزیکی خانه‌های ما شدند. شاید بتوان به این قضیه بیشتر فکر کرد و با شناخت مزیت‌ها و فرصت‌های استفاده از این فناوری، از بسیاری از مشکلات رهایی پیدا کرد. تصور کنید در روزگار قرنطینه از فناوری ارتباطی آنلاین بی‌بهره بودیم. چه فضایی در خانه‌ها ایجاد می‌شد؟ کودکان و نوجوانان چگونه می‌توانستند آموزش ببینند؟ مشاغل چگونه از راه دور انجام می‌شدند؟ چطور می‌توانستیم خانواده، فامیل و دوستان خود را ببینیم و از دل‌تنگی بیرون بیاییم؟ همه این‌ها به لطف حضور همین ابزار ارتباطی برخط شکل کم‌رنگ‌تری از مشکل را برای ما ترسیم می‌کنند. البته به شرطی که محاسن آن را بهتر بشناسیم و آن را در جهت مفید و ارزنده به کار ببریم.

دستیار واقعی معلم در کلاس مجازی

از مشکلات تدریس آنلاین برای معلمان تعامل با دانش‌آموزان و کنترل کلاس به‌تنبه‌ای است. معلمان به یک دستیار نیاز دارند تا در کنار آن‌ها، به امور بچه‌ها در این فضا رسیدگی کنند. کنترل خاموش و روشن کردن میکروفون بچه‌ها در حین تدریس معلم، در مواقعی که نیاز است، یکی از دانش‌آموزان پاسخ سؤال معلم را بدهد، حتی کنترل تحرکات دانش‌آموزان و احیاناً ورود و خروج آن‌ها، از جمله مواردی هستند که حضور یک دستیار معلم را ضروری می‌سازند. از آنجا که به شکل معمول در نظام آموزشی انگلیس یک دستیار در کلاس برای معلمان وجود دارد، همراهی وی با معلم در کلاس آنلاین توانست کمک مناسبی برای اداره کلاس باشد.

ضرورت همراهی والدین در آموزش‌های عملی

از آنجا که در انگلستان عمده آموزش‌های دوره ابتدایی همراه با آموزش‌های عملی، بازی و نمایش است، لذا موضوع یادگیری از طریق فضای مجازی برای دوره دبستان معضل بزرگی در نظام آموزش و پرورش ایجاد کرده است.

دکتر نانسو کارلسون پایژه^۱ استاد دانشگاه «لسلی»^۲ در کمبریج آمریکا و دکتر دنیشا جونز^۳ استاد دانشگاه «واشنگتن» از متخصصان حوزه تربیتی کودکان، به دنبال یافتن راه‌حل‌های عملی برای این مشکلات هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. Nancy Carlsson-Paige
2. Lesley
3. Denisha Jones